

نقد جنبش فمینیستی و بررسی نقش بی حجابی به عنوان ابزاری برای نفوذ در جامعه زنان ایران

مهری روستایی^۱

چکیده

جنبش فمینیستی در ایران به ویژه پس از اعتراضات 1401 و ظهور شعار «زن، زندگی، آزادی»، با استفاده از بی حجابی به عنوان ابزاری برای ترویج ارزشهای غربی به چالشی علیه ارزشهای اسلامی و هویت ملی تبدیل شده است. این جنبش با حمایت رسانه‌های خارجی به تضعیف انسجام اجتماعی و باورهای دینی منجر شده است. این پژوهش به بررسی آثار منفی بی حجابی به عنوان استراتژی فمینیستی تحلیل پیامدهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی، آن و تأکید بر نقش قانون حجاب اجباری در حفظ هویت اسلامی و ملی می‌پردازد. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای شامل کتابها مقالات علمی و تحلیل محتوای رسانه‌های انجام شد بی حجابی، با ترویج ارزشهای غیرومی و ایجاد دو قطبیهای اجتماعی به تضعیف هویت دینی و انسجام ملی منجر شده و با حمایت خارجی بی ثباتی فرهنگی را تشدید کرده است. قانون حجاب، به عنوان سپری شرعی و ملی از ارزشهای اسلامی و نظم اجتماعی حفاظت می‌کند در نتیجه تقویت سیاستهای فرهنگی و اجرای دقیق قانون حجاب میتواند به حفظ هویت ملی و کاهش تنشهای اجتماعی کمک کند.

کلید واژه: ارزشهای اسلامی، انسجام اجتماعی، بی حجابی، حجاب هویت ملی، فمینیسم

جنبش فمینیستی در ایران به ویژه در دهه های اخیر به عنوان جریانی چالش برانگیز در برابر بافت فرهنگی مذهبی و اجتماعی کشور مطرح شده است که از بی حجابی به عنوان ابزاری کلیدی برای نفوذ در

جامعه زنان و تغییر هنجارهای سنتی بهره میگیرد این جنبش با تأکید بر مفاهیمی مانند آزادی فردی، برابری جنسیتی و بازتعریف نقشهای جنسیتی تلاش کرده است تا ارزشهای دینی و فرهنگی که بخش جدایی ناپذیری از هویت ایرانی اسلامی را تشکیل میدهند به چالش بکشد، یزدانی، (1398). بی حجابی، به ویژه پس از اعتراضات گسترده سال 2022 و جنبش زن، زندگی آزادی به نمادی از مقاومت در برابر قوانین حجاب اجباری تبدیل شده و به عنوان ابزاری برای تبلیغ گفتمان فمینیستی در رسانه های اجتماعی و اعتراضات خیابانی مورد استفاده قرار گرفته است، رضایی (1401) ولی در صورتی که این موضوع

نادیده گرفته شود پیامدهای منفی متعددی در انتظار جامعه خواهد بود نادیده گرفتن این پدیده میتواند به تضعیف انسجام، اجتماعی افزایش شکافهای فرهنگی بین گروههای سنتی و مدرن، تشدید تنشهای سیاسی و حتی بهره برداری جریانهای خارجی برای مداخله در امور داخلی منجر شود. این خطرات نه تنها ارزشهای دینی و خانوادگی را تهدید میکند بلکه میتواند اعتماد عمومی به نهادهای اجتماعی را کاهش دهد و به بی ثباتی فرهنگی و اجتماعی دامن بزند بررسی این موضوع برای حفظ

هویت فرهنگی و دینی جامعه حیاتی است و از منظر علمی به درک عمیق تر تأثیرات جنبشهای اجتماعی بر ساختارهای فرهنگی و سیاسی کمک میکند این پژوهش برای جامعه علمی ارزشمند است، زیرا میتواند به تدوین سیاستهای فرهنگی و اجتماعی برای کاهش تنشها و تقویت انسجام ملی کمک کند. همچنین کاربردهای عملی آن در حوزههای سیاستگذاری فرهنگی آموزش عمومی و مطالعات اجتماعی امکان ارائه راهکارهایی برای مدیریت چالشهای ناشی از نفوذ فمینیسم و بی حجابی را فراهم می سازد.

در پیشینه پژوهش مطالعات متعددی به جنبش فمینیستی و مسائل مرتبط با حجاب در ایران پرداخته اند اما کمتر به نقش بی حجابی به عنوان ابزاری برای نفوذ فمینیستی توجه کرده اند. کتاب فمینیسم و تاریخچه آن در ایران نوشته احمدی (1397) به بررسی ریشههای تاریخی فمینیسم در ایران و تأثیرات آن بر جامعه پرداخته اما عمدتاً بر جنبههای سیاسی و اجتماعی فمینیسم تمرکز دارد و نقش بی حجابی به عنوان یک استراتژی هدفمند را کمتر مورد توجه قرار داده است. کتاب حجاب و هویت زن ایرانی اثر محمدی (1399) به تحلیل اهمیت حجاب در حفظ هویت فرهنگی و دینی زنان ایرانی، پرداخته اما تحلیل جامعی از پیامدهای منفی بی حجابی در چارچوب جنبشهای فمینیستی ارائه نداده است مقاله جنبشهای فمینیستی و تحولات اجتماعی در

ایران معاصر نوشته حسینی (1400) در نشریه مطالعات اجتماعی به بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی جنبشهای زنان پرداخته اما به طور خاص به نقش بی حجابی به عنوان ابزاری برای نفوذ فمینیستی و پیامدهای منفی آن توجه نکرده است. مقاله بی حجابی و اعتراضات اجتماعی در ایران از رضایی (1401) در فصلنامه علوم سیاسی، به تحلیل اعتراضات پس از 2022 و نقش بی حجابی در آنها پرداخته اما عمدتاً بر جنبه های سیاسی این اعتراضات تمرکز دارد و کمتر به آثار منفی فرهنگی و اجتماعی آن پرداخته است. رساله دکتری تأثیر جنبشهای فمینیستی بر ساختار خانواده در ایران نوشته کریمی (1399) به بررسی تأثیرات فمینیسم بر نهاد خانواده پرداخته اما بی حجابی را تنها به صورت حاشیه ای و بدون تحلیل عمیق پیامدهای آن بررسی کرده است همچنین رساله کارشناسی ارشد تحلیل گفتمان فمینیستی در رسانه های اجتماعی اثر نوروزی (1400) به نقش رسانه های اجتماعی در ترویج گفتمان فمینیستی پرداخته، اما به طور خاص به پیامدهای منفی بی حجابی در بافت فرهنگی ایران توجهی نداشته است. این پژوهش، برخلاف مطالعات پیشین با تمرکز ویژه بر آثار منفی بی حجابی به عنوان ابزاری برای نفوذ جنبش فمینیستی، به تحلیل عمیقتر پیامدهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی این پدیده میپردازد و از این منظر نوآوری دارد. این مطالعه با ارائه دیدگاهی انتقادی تلاش میکند خلا موجود در بررسی تأثیرات منفی بی حجابی و ارتباط آن با فمینیسم را پر کند.

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه ای شامل کتابها، مقالات علمی، گزارشهای اجتماعی و تحلیل محتوای رسانه ای به بررسی موضوع می.پردازد ساختار مقاله شامل شش بخش اصلی: است مقدمه مروری بر تاریخچه جنبش فمینیستی در ایران نقد و مذمت جنبش فمینیستی تحلیل نقش بی حجابی به عنوان ابزار نفوذ تحلیل توصیفی-تحلیلی آثار منفی بی حجابی و نتیجه گیری همراه با پیشنهادها

مفهوم شناسی

فمینیسم

در لغت :

واژه «فمینیسم» (Feminism) از ریشه لاتین femina به معنای زن گرفته شده و به جنبشی برای حقوق و برابری زنان اشاره دارد (Oxford English Dictionary, 2000).

در اصطلاح ایرانی و اسلامی در ایران فمینیسم به جنبشهایی گفته میشود که برای حقوق زنان و برابری جنسیتی تلاش می.کنند اما در گفتمان اسلامی ایرانی فمینیسم غربی اغلب به دلیل ترویج ارزشهای لیبرال و سکولار در تضاد با اصول اسلامی و هویت فرهنگی ایران نقد میشود. متفکرانی مانند مطهری (1360) معتقدند

اسلام با تأکید بر کرامت زن و نقشهای مکمل جنسیتی، برابری حقیقی را تأمین می‌کند، منتقدان فمینیسم غربی را ابزاری برای نفوذ فرهنگی و تضعیف ارزشهای اسلامی میدانند (خامنه ای 1395)

بی حجابی

در لغت بی حجابی به معنای فقدان پوشش یا عدم رعایت پوشش شرعی است در مقابل «حجاب» که به معنای پوشش و مانع است (دهخدا، 1377).

در اصطلاح ایرانی و اسلامی بی حجابی در ایران به عدم رعایت پوشش شرعی زنان بر اساس احکام اسلامی (سوره)، نور (24:31 و قوانین ملی ماده 638 قانون مجازات، اسلامی 1392) اشاره دارد. در گفتمان اسلامی ایرانی بی حجابی نمادی از نقض ارزشهای دینی و هویت ملی تلقی شده و به عنوان عاملی برای تضعیف عفت عمومی و انسجام اجتماعی دیده می‌شود. برخی جریانهای فمینیستی بی حجابی را به عنوان نماد آزادی فردی ترویج میکنند اما این دیدگاه با انتقادات گسترده در چارچوب اسلامی مواجه است زیرا به تضعیف نظم اجتماعی و ارزشهای دینی منجر میشود (طباطبایی 1362).

هویت ملی

در لغت هویت از ریشه عربی «هو» به معنای ماهیت و چیستی است و ملی به وابستگی به ملت اشاره دارد (دهخدا 1377).

در اصطلاح ایرانی و اسلامی هویت ملی در ایران ترکیبی از ارزشهای اسلامی مانند احکام شیعی و اخلاق اسلامی و عناصر فرهنگی-تاریخی ایرانی مانند) تاریخ پارسی و (ادبیات است. این مفهوم پس از انقلاب اسلامی 1357 با تأکید بر اسلام و استقلال ملی تقویت شده و به عنوان عاملی برای وحدت در برابر نفوذ فرهنگی غرب مطرح است، مطهری، 1360؛ شریعتی، 1357). هویت ملی در ایران، از طریق نمادهایی مانند حجاب و ارزشهای دینی به حفظ استقلال و انسجام فرهنگی کمک میکند (خامنه ای 1398).

انسجام اجتماعی

در لغت انسجام از ریشه «سجم» به معنای استحکام و پیوستگی و اجتماعی به روابط میان افراد در جامعه اشاره دارد (معین 1381).

در اصطلاح ایرانی و اسلامی انسجام اجتماعی در ایران به هماهنگی و وحدت افراد و گروهها در چارچوب ارزشهای اسلامی و ملی اطلاق می‌شود. این مفهوم بر پایه آیات قرآنی مانند «واعتصموا بحبل الله جميعاً» (آل عمران 103) و ارزشهایی مانند عدالت و برادری شکل گرفته است. در ایران انسجام اجتماعی از طریق نهادهایی مانند خانواده، مسجد و قوانین شرعی مانند) حجاب (اجباری تقویت شده و به عنوان سپری در برابر نفوذ فرهنگی و بی ثباتی اجتماعی عمل میکند (طباطبایی 1362).

۱. مروری بر جنبش فمینیستی در ایران

الف) پیشینه تاریخی :

جنبشهای زنان پیش از انقلاب ۱۹۷۹ و تأثیر سیاستهای کشف حجاب رضاشاه جنبش های زنان در ایران پیش از انقلاب ۱۳۵۷، به ویژه در دوره پهلوی، اول تحت تأثیر سیاستهای مدرنیزاسیون رضاشاه شکل گرفتند سیاست کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ که به اجبار زنان را از پوشیدن چادر منع کرد به عنوان بخشی از پروژه نوسازی و غربی سازی معرفی شد، احمدی، (۱۳۹۷). این سیاست نه تنها با مقاومت گسترده زنان سنتی مواجه شد بلکه به دلیل تحمیل از بالا و بی توجهی به بافت فرهنگی و مذهبی، جامعه به ایجاد شکافهای اجتماعی دامن زد یزدانی (۱۳۹۸). از منظر نقد، فمینیستی این اقدامات به جای توانمندسازی واقعی، زنان به ابزاری برای تحمیل ارزشهای غربی تبدیل شد که هویت دینی و فرهنگی زنان ایرانی را تضعیف کرد جنبشهای زنان در این دوره که عمدتاً تحت حمایت دولت، بودند فاقد استقلال و ریشه مردمی بودند و به همین دلیل نتوانستند به عنوان جریانی اصیل و پایدار در جامعه ریشه بدوانند، محمدی (۱۳۹۹) این تجربه تاریخی نشان میدهد که تلاش برای تغییر هنجارهای فرهنگی مانند پوشش زنان بدون توجه به ارزشهای بومی به جای ارتقای جایگاه، زنان به بی ثباتی اجتماعی و مقاومت فرهنگی منجر میشود.

ب) پس از انقلاب اسلامی : اعمال قانون حجاب و ظهور جنبشهای فمینیستی با ادعای دفاع از حقوق زنان

پس از انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ قانون حجاب و عفاف به عنوان یکی از ارکان سیاستهای فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی شد تا با تقویت هویت اسلامی ایرانی ارزشهای دینی و عفت عمومی در جامعه نهادینه شود محمدی (۱۳۹۹) این قانون ریشه در احکام شرعی و فرهنگ بومی داشته و با هدف حفظ کرامت زنان و حمایت از نقش آنها در چارچوب ارزشهای اسلامی تدوین گردید و به عنوان نمادی از هویت ملی و دینی مورد تأکید قرار گرفت (حسینی (۱۴۰۰) با این حال، برخی گروه های زنان که تحت تأثیر گفتمانهای فمینیستی غربی بودند این قانون را محدودیتی بر آزادی فردی زنان تفسیر کرده و با طرح ادعاهایی مبنی بر نقض حقوق زنان به مخالفت با آن پرداختند (کریمی، ۱۳۹۹). این گروهها که بعدها به جنبشهای فمینیستی شناخته شدند به جای ارائه راهکارهای سازگار با فرهنگ ایرانی اسلامی برای بهبود وضعیت زنان در حوزههای آموزش اشتغال و مشارکت اجتماعی، با تمرکز بر موضوعاتی مانند بی حجابی به عنوان نمادی از، آزادی به تقابل با ارزشهای دینی و سنتی جامعه روی آوردند (یزدانی (۱۳۹۸) این رویکرد نه تنها به تشدید شکافهای اجتماعی میان اقشار سنتی و مدرن منجر شد، بلکه با ایجاد دوقطبیهای فرهنگی زمینه را برای بهره برداری جریانهای خارجی فراهم کرد که به دنبال تضعیف انسجام ملی و هویت دینی ایران بودند (محمدی، ۱۳۹۹) جنبشهای فمینیستی در این دوره با برجسته سازی موضوع حجاب به عنوان نشانهای از محدودیت از مسائل

بی حجابی به عنوان ابزاری کلیدی در دست جنبش فمینیستی در ایران از طریق روابط پیچیده علت معلولی، تأثیرات مخربی بر ساختار فرهنگی دینی و اجتماعی جامعه اسلامی ایران بر جای گذاشته است. جنبش فمینیستی که ریشه در گفتمانهای سکولار و ضددینی غربی، دارد با ترویج بی حجابی به عنوان نمادی از آزادی، فردی در صدد تضعیف ارزشهای اسلامی و قوانین شرعی، از جمله قانون حجاب و عفاف برآمده است (آبیار) و، همکاران (1399) این جنبش با حمایت گسترده مالی و رسانه ای جریانهای خارجی به ویژه از طریق شبکههای اجتماعی و رسانههای، غربی تلاش کرده تا با تغییر هویت فرهنگی و دینی زنان، ایرانی به بی ثباتی سیاسی و اجتماعی در کشور دامن بزند (نوروزی، 1400). قانون حجاب اجباری که بر اساس احکام اسلامی و اصل چهارم قانون اساسی با هدف حفظ عفت عمومی کرامت زنان و هویت اسلامی ایرانی وضع شده به عنوان سدی محکم در برابر این نفوذ فرهنگی عمل کرده و از ارزشهای بنیادین جامعه حفاظت میکند (محمدی، 1399). برخلاف ادعاهای فمینیستی که بی حجابی را گامی به سوی آزادی زنان معرفی میکنند این پدیده در ایران به تشدید دوقطبی های اجتماعی افزایش نظارتهای قانونی و کاهش اعتماد عمومی به جنبشهای اجتماعی منجر شده است.

حیدری) و، امیریان (1399) برای مثال، جنبش «زن، زندگی آزادی» در سالهای 1401-1404، با سازمان دهی هدفمند و بهره برداری از احساسات، زنان به ویژه نسل جوان نه تنها به توانمند سازی واقعی زنان کمکی نکرد بلکه با ایجاد آشوبهای خیابانی و تقویت روایتیهای رسانهای غربی، زمینه را برای مداخله خارجی و تضعیف حاکمیت دینی فراهم کرد (کلاته) میمری (1403) این اقدامات، به جای حل مسائل بنیادین زنان مانند دسترسی به آموزش و اشتغال به تضعیف باورهای دینی و افزایش تنشهای داخلی منجر شد در حالی که قانون حجاب و عفاف با حفظ نظم اجتماعی از هویت ملی و دینی محافظت کرده است (رضایی، 1401). علاوه بر این ترویج بی حجابی توسط جنبش، فمینیستی با نادیده گرفتن زمینههای عمیق فرهنگی و دینی، ایران به گسست نسلی و تضعیف بنیانهای خانوادگی منجر شده است. این جنبش با تأکید بر فردگرایی افراطی و رد نقشهای سنتی زنان مانند مادری و همسری که در فرهنگ ایرانی اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردارند به تضعیف نهاد خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه دامن زده است حیدری و، امیریان (1399) این رویکرد نه تنها به افزایش مقاومت اقشار سنتی در برابر فمینیسم منجر شده، بلکه با ترویج الگوهای غربی ناسازگار با فرهنگ بومی به بیگانگی فرهنگی زنان جوان و کاهش انسجام اجتماعی کمک کرده است (نوروزی، 1400) در مقابل قانون حجاب و عفاف با تأکید بر ارزشهای اسلامی به حفظ کرامت زنان و جلوگیری از بهره برداری سیاسی از آنان کمک کرده و مانع از نفوذ فرهنگی خارجی شده است (محمدی، 1399) از منظر، نقد جنبش فمینیستی با استفاده ابزاری از بی حجابی به جای ارائه راهکارهای عملی برای توانمندسازی زنان در چارچوب فرهنگ ایرانی اسلامی به تشدید شکافهای اجتماعی و سیاسی پرداخته و به جای پیشرفت، واقعی به ترویج هنجارشکنی های فرهنگی منجر شده است (کلاته میمری، 1403). برای مقابله با این تأثیرات مخرب نهادهای

فرهنگی و آموزشی باید با طراحی برنامه های آگاهی بخش و تولید محتوای متناسب با نسل جوان اهمیت حجاب را به عنوان نمادی از هویت دینی و ملی تبیین کنند. همچنین توسعه گفتمانهای بومی که حقوق زنان را در چارچوب ارزشهای اسلامی تضمین کند، همراه با تقویت رسانه های داخلی برای خنثی سازی تبلیغات غربی میتواند از بی ثباتی فرهنگی جلوگیری کرده و انسجام اجتماعی را تقویت کند (رضایی، 1401).

ج) تفاوت های تأثیر بی حجابی در ایران با کشورهای دیگر با زمینه های فرهنگی متفاوت

در ایران حجاب به عنوان بخشی از هویت اسلامی ایرانی بر اساس احکام شرعی و قانون اساسی اصل (چهارم نه تنها یک ارزش دینی بلکه نمادی از انسجام فرهنگی و ملی است، محمدی، 1399) قانون حجاب و عفاف پس از انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ با هدف حفظ عفت، عمومی کرامت زنان و تقویت هویت دینی ملی تدوین شد و به عنوان سپری در برابر نفوذ فرهنگی خارجی عمل کرد (حسینی، 1400). برخلاف ادعاهای جنبشهای فمینیستی که بی حجابی را نماد آزادی میدانند این پدیده در ایران به تشدید تنشهای اجتماعی و سیاسی منجر شده و با حمایت رسانه های غربی به ابزاری برای تضعیف نظام اسلامی و هویت ملی تبدیل گشته است (یزدانی، 1398).

در حالی که ایران پس از انقلاب با حفظ حجاب و ارزشهای اسلامی پیشرفتهای چشمگیری در حوزه های آموزش سلامت مشارکت اجتماعی زنان و فناوری داشته است جنبشهای فمینیستی با تمرکز بر بی حجابی، به جای توانمندسازی واقعی، زنان به ترویج برهنگی و الگوهای بیگانه پرداخته اند که با فرهنگ ایرانی اسلامی همخوانی ندارد (کریمی، 1399). این رویکرد نه تنها به گسست فرهنگی و شکاف میان اقشار سنتی و مدرن منجر شده بلکه با تضعیف ارزشهای عفت و حیا زمینه نفوذ فرهنگی و سیاسی خارجی را فراهم کرده است. قانون حجاب و عفاف با تأکید بر هویت اسلامی، نقش کلیدی در حفظ انسجام اجتماعی و ملی ایفا کرده و از زنان در برابر بهره برداریهای سیاسی محافظت میکند در کشورهای دیگر نیز بی حجابی و ترویج ارزشهای فمینیستی غربی به گسترش فرهنگ بی بندوباری و تضعیف ارزشهای سنتی منجر شده و زمینه ساز نفوذ فرهنگی خارجی بوده است.

در کشورهای غربی مانند آمریکا و برخی کشورهای اروپایی جنبشهای فمینیستی با ترویج برهنگی و آزادیهای افراطی به جای پیشرفت واقعی زنان در حوزه های علمی و اقتصادی به تضعیف نهاد خانواده، افزایش نرخ طلاق و کاهش زاد و ولد منجر شده اند که نتیجه آن پیری جمعیت و فروپاشی پیوندهای اجتماعی است در کشورهای اسلامی مانند ترکیه کاهش محدودیتهای پوشش تحت تأثیر گفتمانهای غربی به ترویج فرهنگ بی بندوباری و تضعیف ارزشهای دینی منجر شده و زمینه نفوذ فرهنگی خارجی را فراهم کرده است (کلاته میمری 1403)

در عربستان سعودی اگرچه اصلاحات پوشش در چارچوب سیاستهای داخلی انجام شد، اما فشارهای فمینیستی غربی برای ترویج، برهنگی به تدریج ارزشهای سنتی را تهدید می‌کند در مالزی نیز با وجود تنوع فرهنگی ترویج بی حجابی توسط جریانهای فمینیستی به عنوان نمادی از مدرنیته به تضعیف هویت دینی و افزایش هنجار شکنیهای فرهنگی منجر شده است (کلاته، میمری 1403). برخلاف ایران که با حفظ حجاب پیشرفتهای علمی اجتماعی و فرهنگی چشمگیری را تجربه کرده جنبشهای فمینیستی در جهان با تمرکز بر برهنگی به جای توانمندسازی پایدار به بی ثباتی فرهنگی و نفوذ خارجی دامن زده اند. برای مقابله با این روند نهادهای فرهنگی در ایران و جهان باید با تکیه بر ارزشهای بومی و دینی، گفتمانهایی برای توانمندسازی واقعی زنان توسعه دهند و از طریق آموزش و رسانه در برابر نفوذ فرهنگی خارجی مقاومت کنند (حسینی، 1400).

نتیجه گیری

جنبش فمینیستی در ایران با ترویج بی حجابی و ارزشهای غربی در تقابل آشکار با هویت اسلامی ایرانی قرار گرفته و به تضعیف پیوندهای فرهنگی و دینی جامعه منجر شده است این جنبش به ویژه در جریان اعتراضات اخیر و با شعارهایی مانند «زن، زندگی، آزادی» نه تنها نتوانسته به مشکلات واقعی زنان پاسخ دهد، بلکه با ایجاد دوقطبیهای اجتماعی و سیاسی انسجام ملی را به خطر انداخته است. قانون حجاب و عفاف به عنوان نمادی از ارزشهای دینی و ملی نقش اساسی در حفظ کرامت زنان و عفت عمومی، دارد اما رویکرد فمینیستی با نادیده گرفتن این ارزشها به تشدید تنشها کاهش اعتماد به جنبشهای اجتماعی و تضعیف نهاد خانواده منجر شده است این، روند با حمایت رسانه های خارجی به بی ثباتی فرهنگی و بهره برداری سیاسی از مسائل داخلی دامن زده است. برای مقابله با این چالشها، نهادهای فرهنگی و آموزشی باید با طراحی برنامههای جذاب و متناسب با نسل جوان اهمیت حجاب و ارزشهای اسلامی را به عنوان بخشی از هویت ملی ترویج کنند ایجاد گفتمانهای بومی که حقوق زنان را در چارچوب فرهنگ ایرانی اسلامی - تقویت، کند همراه با توسعه رسانه های داخلی برای خنثی سازی نفوذ شبکه های اجتماعی، غربی ضروری است اجرای قوانین حجاب باید با آموزش و آگاهی بخشی همراه باشد تا پذیرش اجتماعی آن افزایش یابد پژوهشهای آینده باید بر تأثیرات فمینیسم بر ساختارهای خانوادگی و راهکارهای حفظ هویت اسلامی زنان تمرکز کنند تا ضمن تضمین حقوق زنان، انسجام فرهنگی و ملی جامعه حفظ شود جنبش فمینیستی با ترویج فردگرایی و رد نقشهای سنتی زنان مانند مادری و همسری بنیانهای خانواده را که محور فرهنگ ایرانی اسلامی، است تضعیف کرده و شکاف نسلی میان زنان جوان و نسلهای پیشین ایجاد کرده است. این، جنبش با بهره گیری از حمایت های خارجی و شبکه های، اجتماعی به ابزاری برای تضعیف نظام اسلامی و هویت ملی تبدیل شده و بی حجابی را به عنوان نمادی از آزادی ترویج میدهد در حالی که این رویکرد با ارزشهای عفت و کرامت در فرهنگ اسلامی در تضاد است. قانون حجاب و عفاف به عنوان سپری در برابر این نفوذ فرهنگی از جایگاه زنان و نظم اجتماعی حفاظت می. کند برای رفع این، چالش نهادهای فرهنگی باید با تولید محتوای خلاقانه نقشهای دینی و سنتی زنان را در کنار توانمندسازی آنها در حوزه های اجتماعی و اقتصادی تقویت کنند نظارت بر محتوای رسانه ای و تقویت پلتفرمهای داخلی میتواند از تأثیرات مخرب رسانه های غربی بکاهد همچنین نظام قضایی باید با اجرای متعادل قوانین حجاب همراه با برنامه های آموزشی از مقاومتهای اجتماعی بکاهد پژوهشهای آتی باید راهکارهای عملی برای تقویت جایگاه زنان در چارچوب ارزشهای بومی و دینی ارائه دهند تا از گسست فرهنگی و اجتماعی جلوگیری شود و هویت ملی در برابر نفوذ فمینیسم حفظ گردد.

منابع

- 1 قرآن کریم
2. احمدی، م. (1397). فمینیسم و تاریخچه آن در ایران تهران: انتشارات علمی. 3. دهخدا، ع. (1377). لغت نامه دهخدا: تهران انتشارات دانشگاه تهران (1344)
4. خامنه ای س.ع. (1395). سخنرانی در دیدار با بانوان نخبه تهران دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب.
5. (1398). بیانیه گام دوم انقلاب تهران دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب.
- 6 محمدی، س. (1399). حجاب و هویت زن ایرانی. تهران: انتشارات فرهنگ *
7. کریمی، ن (1399). تأثیر جنبشهای فمینیستی بر ساختار خانواده در ایران (رساله دکتری). دانشگاه تهران *
8. نوروزی، ز. (1400) تحلیل گفتمان فمینیستی در رسانه‌های اجتماعی رساله کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی
9. آبیاری، ز، کرمی پور اک و شریفی س. (1399) چالشهای نظری حجاب در ایران پسا انقلاب تحلیلی بر رویکردهای موجود از حجاب و عفاف جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، 12(23)،
- 10 حیدری، ف، و، امیریان ا (1399) تحلیل جرم بی حجابی در نظام عدالت کیفری ایران تحقیقات حقوق قضایی، 1، 173-196. 11. حسینی، ع. (1400) جنبشهای فمینیستی و تحولات اجتماعی در ایران معاصر. مطالعات اجتماعی، 15(3)، 45-60.
12. رضایی، ف. (1401) بی حجابی و اعتراضات اجتماعی در ایران فصلنامه علوم سیاسی، 20(4)، 30-50.
- 13 یزدانی، ح. (1398) تحولات اجتماعی و نقش زنان در ایران پس از انقلاب * فصلنامه مطالعات فرهنگی، 12(2)، 25-40
- منابع عربی. 14 معجم الوسيط . (2004). قاهره دار المعارف
15. المنجد فی اللغة. (2000). بیروت: دار المشرق.
- منابع انگلیسی
- 16 Oxford English Dictionary. (2000). *Feminism*. Oxford: Oxford University Press.